

اعظم طالقانی
مدیرمسئول

رنج ده ساله پدر حقوق ایران

ما در این در گه ملولان نیستیم تا ز بُعد راه هر جا بیستیم

زنده‌یاد دکتر امیرناصر کاتوزیان در پیش‌گفتار کتاب خاطرات خود «زندگی من...» می‌نویسد: «سالیانی چند است که نزدیکان و دوستان به تکرار پیشنهاد می‌کنند زندگی خود را تدوین و منتشر کنم تا نسل جوان بتواند از شمع پیشین برای راه، آینده بسازد و بداند که گذر از موانع چه هزینه‌هایی دارد. این پیشنهادها هر چه به سنین کهولت نزدیک می‌شدم فزونی می‌یافت. در آغاز واکنش در برابر این خواسته منفی بود زیرا هم فرصت چنین اقدامی را نمی‌یافتم و هم نوشتن شرح زندگی انسان را خودبینی و غرور، بی‌جا می‌دیدم.» مرحوم کاتوزیان می‌نویسد پاسخ‌هایی که می‌شنیدم از قوت خالی نبود... «هر حادثه پندی است، هر تصمیم مایه عبرتی، پس چرا باید از این مدرس طبیعی گریخت؟» استاد می‌نویسد: «ناچار باید اعتراف کرد که هدفم برپایه وسیله و تلاش است نه حصول نتیجه.»

در نهایت استاد کاتوزیان قبول می‌کند که ماحصل دلیل توجیه آرمان‌ها و نظریه‌ها در لباس قصه و داستان که با حوادث و خاطرات همراه باشد برای خواننده به خصوص خوانندگان عادی قابل فهم و درک و گوارا است. مصداق قانع شدن استاد کاتوزیان برای شرح زندگی خود این بیت بود:

خوش‌تر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

پدر حقوق ایران در ابتدای شرح زندگی خود خاطره‌ای نقل می‌کند: «...یکی از روزها که مادرم به منزل ما آمده بود و من پس از دورانی که از دانشگاه اخراج شده بودم [حدود ۱۰ سال] و انواع گرفتاری‌ها آزارم می‌داد بسان آدمی بودم که در پرتگاه ژرفی افتاده باشد... پس از ساعت‌ها کار نزد مادر رفتم و اظهار خستگی کردم. سخمن شکل شکایت نداشتم، با وجود این مادرم به جای دلسوزی و...نگاهی از روی ملامت، بارم کرد و گفت که کار تو عبادت است، عابد راستین از کار خود لذت می‌برد و ملول نمی‌شود این توفیق الهی است و تو به جای شکرگذاری شکوه می‌کنی؟!» او می‌نویسد که این سخن حکیمانه مادر مانند آبی که بر آتش بریزند شکوه‌ها را فرو ریخت و بر دلم نشست. پس از آن هرگاه که از کار و مشکلات خسته می‌شوم به یاد این پند مادرانه می‌افتم... با زمزمه این بیت مثنوی خود را تسکین می‌دهم:

ما در این در گه ملولان نیستیم تا ز بُعد راه هر جا بیستیم

اکنون می‌فهمم که قاعده زورمداری و ظلم به زیردستان اطاعت و تملق از قوی‌تران است. آری پدر حقوق ایران ده سال از دانشگاه تهران اخراج بود و همراه با ناملایمات و خستگی، راه دور را ادامه داد و ناپستاد.

در ملاقاتی که این اواخر با همسرش داشتیم، سوالی مطرح کردیم که آیا قوانینی که ایشان براساس فقه ما تدوین کرده قوانین جامعی می‌باشد؟ همسر مرحوم کاتوزیان به نقل از ایشان پاسخ داد: «خمیر مایه قوانین ما باید همین باشد، ولی باید آن را پرورش و گسترش داد و به روز در آوریم به طوری که نیازهای جامعه امروز ما را پاسخ دهد.»
روحش شاد و حش بر ما حلال باد